

آثار وحدت و تفرقه امت اسلامی با تاکید بر آیات و روایات

اکبر محمدباقری^۱

چکیده:

دین اسلام حفظ وحدت امت اسلامی را از اساسی‌ترین مسائل جامعه می‌داند و منادیان وحدت را تشویق و افرادی که باعث افتراق و جدایی مردم و ملت‌ها می‌شوند را مورد نکوهش قرار داده است. روی این جهت مسئله وحدت و تفرقه از ابعاد گوناگونی مورد بحث و پژوهش نخبگان و صاحب نظران جهان اسلام قرار گرفته است؛ مقاله حاضر ضمن بررسی مهمترین آثار وحدت و تفرقه امت اسلامی از دیدگاه آیات و روایات؛ به بررسی نتایج سودمندی که در اثر وحدت امت اسلامی نصیب جامعه می‌شود و آثار زیانبار تفرقه که گریبانگیر جامعه می‌شود پرداخته و همچنین نگاهی گذرا به عوامل اختلاف دارد.

واژگان کلیدی: وحدت امت اسلامی، تفرقه امت اسلامی، اتحاد، اختلاف، آیات،

روایات.

مقدمه

از مهم‌ترین مسایل جهان اسلام وحدت و اتحاد امت اسلامی است چرا که وحدت، از اصولی است که اساس و ریشه یک نظام را تشکیل می‌دهد و رمز ماندگاری آن می‌باشد، به همین دلیل امروزه مسئله وحدت توجه و اندیشه متفکران و مصلحان جامعه اسلامی را به خود معطوف داشته است.

قرآن در آیات متعددی مسلمانان را به طور خاص و تمامی انسان‌ها را به صورت عام عضو یک جامعه و امت معرفی می‌کند و آنها را به وحدت و یکپارچگی فرا می‌خواند یکجا خطاب به مسلمانان می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^۱ «و همگی به ریسمان الهی (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد. و به برکت نعمت او، برادر شدید.»^۱ و در آیه‌ای دیگر خطاب به تمام انسان‌ها می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید»^۲ در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن، همان بازگشت نسب انسان‌ها به آدم و حواء است بنابراین چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که از نظر نسب و قبیله بر یکدیگر افتخار کنند، و اگر خداوند برای هر قبیله‌ای ویژگی‌هایی آفریده برای حفظ نظم زندگی اجتماعی مردم است.»^۳ طبق این آیه کریمه، همه بشر به منزله یک خانواده هستند و پیامبران آمده‌اند که آن‌ها را گرد توحید جمع کنند، امام خمینی (ره) می‌فرماید:

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. حجرات: ۱۳.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۹۷.

«پیغمبر اسلام می خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند. می خواست تمام ممالک دنیا را تحت یک کلمه توحید. قرار بدهد»^۱ مقام معظم رهبری هم وحدت را فراتر از وحدت امت اسلامی می داند و می فرماید: «وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی در جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی هم مثل هم نیستند، می توانند اتحاد داشته باشند، می توانند کنار هم باشند، می توانند دعوا نکنند».^۲ هر چند که نگاه اولیه اسلام بر وحدت تمامی افراد اعم از مسلمان و غیر مسلمان است که یک زندگی مسالمت آمیز در کنار هم داشته باشند اما مسئله وحدت امت اسلامی در لسان قرآن و معصومین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در روایات متعددی ائمه اطهار (ع) و پیشوایان دینی به تأسی از قرآن کریم، مسلمانان را مسئول و شریک سرنوشت یکدیگر معرفی کرده و متحد و دوست هم دانسته و از نزاع و مناقشه نهی کرده اند و اصلاح بین مردم را وظیفه تک تک افراد می داند امام صادق (ع) می فرماید: «صَدَقَةُ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا، وَ تَقَارُبٌ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا» «صدقه ای که خداوند آن را دوست دارد عبارت است از: اصلاح میان مردم هرگاه رابطه شان تیره شد و نزدیک کردن آن ها به یکدیگر هرگاه از هم دور شدند».^۳ دعوت مردم به حفظ وحدت و پرهیز از اختلاف و پراکندگی نه تنها در سخن بلکه در سیره عملی معصومین (ع) هم بسیار مشاهده می گردد. بیست و پنج سال سکوت و خانه نشینی علی (ع) و حتی کمک آن حضرت به خلفا، بر مبنای حفظ وحدت و دوری از تفرقه بوده است به گفته شیخ نجم الدین عسکری در بیش از نود مورد حضرت علی (ع) در مسائل مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و دینی به خلیفه دوم مشاوره داده است.^۴

حال سؤال این است چرا دین اسلام این همه به مسئله حفظ وحدت و دوری از دو

۱. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲. خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۱.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۱.

۴. نجم الدین شریف عسکری، علی والخلفاء ۱۳۸۰، ص: ۲۳۸.

دستگی و تشتت پرداخته و با زبان‌های مختلف مردم و به خصوص مسلمانان را تشویق می‌کند که با هم باشند و انسجام جامعه را حفظ کنند؟ به عبارت دیگر مگر وحدت چه نتایج سودمندی برای جامعه دارد و یا تفرقه چه ضررهایی دارد که اسلام به این اندازه به آن اهمیت داده است؟ برای پاسخ به این پرسش و به دلیل اهمیت موضوع به ویژه در عصر کنونی، مقاله حاضر در صدد است جهت استحکام وحدت مسلمانان و دوری از تفرقه، به برخی از نتایج و برکاتی که وحدت امت اسلامی به دنبال دارد و سپس به آثار و نتایج زیانبار اختلاف و تفرقه که دامنگیر امت اسلامی می‌شود، بپردازد.

در بررسی که نگارنده در این زمینه انجام داده است اکثر مباحثی که حول مسئله وحدت مطرح شده و کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌هایی که نگاشته شده است به عوامل وحدت و تفرقه پرداخته‌اند و از نتایج این دو کمتر سخنی گفته شده است.

تذکر این نکته لازم است که در این نوشتار «وحدت» و «اتحاد» به معنی واحدی اخذ شده است یعنی افراد جامعه در عین حالی که هر کدام دارای عقاید و سلاقی گوناگونی هستند، حول یک محور واحد که همان حبل‌الله و کلمه‌الله است در مقابل دشمن اسلام و امت اسلامی متحد و یکپارچه شوند و «تفرقه» و «اختلاف» هم به معنی پراکندگی و واگرایی جامعه منظور شده است.

ماهیت وحدت

واژه وحدت، از ریشه «وحد»، «یحد»، «حده» و «واحداً» گرفته شده و معنای تنها بودن و تنهایی را می‌رساند.^۱ به گفته راغب «وحدت» از «واحد» گرفته شده و واحد در حقیقت شیئی است که به طور قطع جزء ندارد، سپس بر هر چیزی اطلاق شده و توصیف به وحدت می‌گردد،^۲ و در کاربردهای فارسی نیز به معنی یگانگی، یگانه شدن و تنهایی می‌باشد.^۳ اتحاد، مفهوم یکی شدن دو چیز یا چند چیز را می‌رساند.^۴ یگانگی

۱. وجدی فرید، دائرة المعارف القرن العشرين، بیروت: دارالمعرفه ۱۳۵۷ق، ج ۱۰، ص ۶۴۵

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت دارالقلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۵۷

۳. علی اکبر دهخدا، ۱۳، ...، ج ۴۸، ص ۱۳۲.

۴. وجدی، همان.

داشتن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی و یک جهتی در مفهوم اتحاد نهفته است.^۱
 وحدت در اصطلاح جامعه‌شناسی و سیاسی، همدل شدن و پرهیز از اختلاف احزاب و امت است و منظور ما از وحدت در اینجا وحدت و اتحاد مردم یک کشور اسلامی و ملت‌های چند کشور اسلامی است.

آنچه که از معارف دینی استنباط می‌شود این است که: وحدت و اتحاد امری فطری و طبیعی است و انسان با روحیه نوع‌دوستی خلق شده است. علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا أَعْتَمْتُ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ، فَلَا تَوَازُرُونَ، وَ لَا تَنَاصِحُونَ، وَ لَا تَبَاذُلُونَ، وَ لَا تَوَادُّونَ». «همانا شما بر اساس دین خدا - که آیین فطرت است با یکدیگر برادر و پیوسته‌اید، و تنها ناپاکی‌های درونی و زشتی‌های باطن موجب تفرقه و جدایی میان شما شده است که در نتیجه، تعاون و همیاری، نصیحت، بذل و بخشش و دوستی و محبت از میان شما رخت بر بسته است».^۲

گرچه وحدت‌گرایی، فطری است اما امور فطری نیازمند پرورش و توجه می‌باشد و بی‌توجهی و عدم اهتمام به آن، مانع شکوفایی آن می‌گردد و یا در معرض تندبادهای روزگار قرار می‌گیرد، لذا شخص پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) برای تقویت این امر فطری سعی بسیار می‌کردند.

امیر بیان (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ رَجُلٌ فَاعَلَمَ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَلْفَهَا مِنِّي أَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ كَرَمَ الْمَأَبِ» «بدان هیچ کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد (ص) حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو... و بازگشت به جایگاه نیکو هستم».^۳

ماهیت اختلاف

اختلاف، مخالف اتفاق است، به این معنا که یکی برخلاف جهت دیگری برود. به

۱. علی اکبر دهخدا، همان

۲. رضی، محمدبن حسین، محقق: صالح، صبحی، نهج‌البلاغه، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۱۱۲.

۳. نهج‌البلاغه، رضی، محمدبن حسین، محقق: صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق، نامه ۷۸.

عبارت دیگر، اختلاف و مخالفت به مفهوم این است که هر کسی راهی و شیوه‌ای را برخلاف رفتار و شیوه دیگری، در حالات و گفتارش برگزیند.^۱

همان‌گونه که گفتیم وحدت و اتحاد در لسان معارف امری فطری است و آفرینش انسان همراه با حس نوع‌دوستی بوده است قاعدتاً نقطه مقابل آن یعنی تفرقه و اختلاف امری خارج از فطرت انسان است و عواملی باعث می‌شود که انسان‌ها از مسیر امر فطری خارج شوند همه این عوامل برگشت به یک چیز می‌کند و آن پلیدی‌ها و زشتی‌هاست که در کلام علی(ع) بیان آن گذشت.

عوامل اختلاف

یکی از بزرگترین ناهنجاری‌های جامعه مسئله اختلاف است روی همین جهت است که دین مبین اسلام با تعبیر تندی مسلمانان را از اختلاف و پراکندگی نهی کرده است پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «من فارق الجماعة شبراً فمیتته جاهلیه» «کسی که به اندازه یک وجب، از جماعت مسلمین کناره بگیرد و در آن حال بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است»^۲ لذا برای ریشه کن کردن اختلاف و ناهنجاری‌های جامعه اسلامی ابتدا باید با علل آن مبارزه کرد نه بامعلول، نفاق و اختلاف نوعی بیماری و ناهنجاری اجتماعی است و برای از بین بردن این بیماری و نیل به وحدت امت اسلامی ضروری است نخست عوامل آن شناسایی شود تا بتوان با علل و عوامل آن مقابله کرد، از این رو قبل از ورود به اصل بحث سزاوار است که به طور اختصار به عوامل تفرقه بپردازیم.

با مراجعه به آیات و روایات ریشه اختلاف و تفرقه را تحت دو عنوان کلی می‌توان دید؛ ۱. ناپاکی‌های درونی و ۲. فتنه‌های بیرونی.

۱. ناپاکی‌های درونی

همانطور که در کلام علی(ع) هم گذشت از چیزهایی که سبب تفرقه و اختلاف در

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت دارالقلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۸۵۷، ۲۴۹.

۲. مسلم النیشابوری، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، باب اماره، ص ۵۳.

جامعه است ناپاکی‌های درونی افراد است و با مصادیق متعددی می‌تواند بروز کند که در ادامه به برخی از این مصادیق اشاره می‌شود.

۱-۱. خودمحوری

کسی که خود محور است فقط دنبال هوس‌های خویش است و به غیر از منافع شخصی به چیز دیگری نمی‌اندیشد و همه چیز را فدای مصالح مادی خویش می‌نماید. البته سبب خودپرستی را گناهی مثل «کبر»، «عجب»، «حسادت»، و... تشکیل می‌دهد. در نظر امیرالمؤمنین (ع) منشأ تمام عقده‌هایی که منجر به اختلافات می‌شود، خودپرستی و خودمحوری می‌باشد و این تلازم به حدی است که ایشان از اختلاف نیروها به اختلاف هوس‌ها تعبیر می‌نمایند و خودمحوری و خودپرستی را بزرگ‌ترین خطری می‌دانند که هویت جامعه اسلامی را تهدید می‌کند.

۱-۲. کینه‌ورزی و عقده‌های شخصی:

از عواملی که موجب ایجاد اختلاف در جامعه اسلامی می‌گردد، وجود عقده‌ها و کینه‌های اشخاص نسبت به یکدیگر است. در طول تاریخ افرادی را می‌توان پیدا کرد که به خاطر کینه و عقده‌های شخصی از جرگه اسلام هم خارج شده و حتی در مقابل جبهه حق و امام معصوم هم ایستادند و باعث اختلاف و شکاف در جامعه اسلامی شدند. افرادی که در زمان حکومت علی (ع) به دلیل کینه‌ای که از او به خاطر جنگ‌های بدر، خیبر، حنین و... در دل داشتند در مقابل حضرت ایستادند دل‌هایشان ملامت از حقد و کینه نسبت به علی (ع) بود. آن‌ها به بهانه‌های مختلف از جبهه حق جدا گشته و باعث از هم پاشیدگی امت مسلمان شدند. چنان که در دعای ندبه می‌خوانیم: «فاودع قلوبهم أحقاداً بدرية و خيبرية و حنينية و غيرهن فاضيت علي عداوته و اکتب علي منابذته». در واقعه عاشورا هم مشاهده می‌شود که همین عقده‌ها باعث شد کسانی که به ظاهر مسلمان بودند اما در مقابل امام حسین (ع) ایستادند و آنگاه که امام حسین (علیه السلام) تمام یاران خود را از دست داد و برای جنگ با دشمن در مقابل آنها قرار گرفت برای

اتمام حجت خطاب به آنان فرمود: «یا ویلکم اَتَقْتُلُونِی عَلٰی سُنَّةِ بَدَلْتُمْهَا؟ اَمْ عَلٰی شَرِیْعَةٍ غَیْرِهَا، اَمْ عَلٰی جُرْمٍ فَعَلْتُمْهُ، اَمْ عَلٰی حَقٍّ تَرَكْتُمْهُ»؛ (وای بر شما! چرا با من می‌جنگید؟ آیا سنتی را تغییر داده‌ام؟ یا شریعتی را دگرگون ساخته‌ام؟ یا جرمی مرتکب شده‌ام؟ و یا حقی را ترک کرده‌ام؟). اما این افراد لجباز و کینه‌ورز با کمال وقاحت خطاب به امام(ع) گفتند: «إِنَّا نَقْتُلُكَ بُغْضًا لَّابِیکَ»؛ (بلکه به خاطر کینه‌ای که از پدرت به دل داریم، با تو می‌جنگیم و تو را می‌کشیم).^۱

۳-۱. دنیاگرایی:

از عواملی که ریشه در تفرقه جامعه دارد مسئله دنیاگرایی است این از آفات اساسی است که مخصوصاً خواص یک جامعه را در معرض تهدید قرار می‌دهد، به طوری که به خاطر منافع شخصی از قبیل مال دوستی، ریاست طلبی و... تمام نیرو و قدرت خود را در مقابل جبهه حق قرار داده و با جمع‌آوری عده و عده برای نیل به امیال شیطانی خویش تلاش می‌نمایند. قرآن می‌فرماید: «زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا»^۲ رسول اکرم صلی الله علیه وآله بزرگ‌ترین نگرانی امت خویش را دنیا دوستی عنوان نموده و می‌فرمایند: «ان اکثر ما اخاف علیکم ما یخرج الله لکم من برکات الارض»؛ «بیشترین نگرانی من بر شما، از برکاتی است که خداوند از زمین بر شما عنایت می‌دارد»، وقتی از حضرت سؤال کردند که منظورتان از برکات چیست؟ ایشان در جواب فرمودند: «زهرة الدنيا»؛ «زیبایی دنیا». ^۳ علی(ع) نیز در سخنی دنیاگرایی را اساس و ریشه تمام مشکلات معرفی می‌نمایند: «حب الدنيا راس الفتن و اصل المحن»^۴ داستان طلحه و زبیر مصداق بارز

۱. القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوالقربی، تحقیق: سید جمال اشرف حسین، دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۹-۸۰.

۲. آل عمران: ۱۴

۳. فیض کاشانی، محسن، المحججه البیضاء، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه: عطایی، محمدرضا، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۸.

۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، محقق: رجایی، سیدمهدی، غررالحکم و دررالکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۰.

دنیا طلبی است، آنها به انگیزه رسیدن به ریاست با حضرت علی(ع) بیعت نمودند ولی زمانی که از آن حضرت جواب منفی شنیدند راه خود را از حضرت جدا کردند و سر به شورش گذاشتند و با راه انداختن جنگ جمل، در صفوف مسلمین اختلاف ایجاد نمودند. ابن ابی الحدید می گوید: «طلحه و زبیر به هوس کوفه با علی(ع) بیعت کردند ولی آنگاه که پایداری علی(ع) را در این تصمیم، محکم و سازش ناپذیری وی را دیدند و مشاهده کردند که علی(ع) مصمم است خط اصلی حکومتش را بر مبنای کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد، سربه شورش برداشتند.»^۱

۴-۱. تعصب و جزم اندیشی:

از دیگر عوامل تفرقه مسئله تعصب است تعصب طرفداری از اعتقادی غیر مستدل و غیر موجه است و یک حالت روانی است که چشمان انسان را می بندد، تا حقایق و واقعیت ها را نبیند به گونه ای که در مقابل حقایق از خود مقاومت نشان می دهد و به هیچ صورت آن را نمی پذیرد افراد متعصب، عقاید و اندیشه دیگران را باطل و خود را حق می دانند و برداشت خود را صحیح و فهم دیگران را نادرست تلقی می نمایند و به عقل و منطق و استدلال توجه نمی کنند و در واقع اینان ایمان ندارند. زیرا ایمان ریشه در عقلانیت و آگاهی دارد. در حالیکه شخص متعصب بر جهل و عدم توجه به منطق و استدلال که مایه سقوط فرد و جامعه است اصرار دارد. انسانی که تعصب دارد از مرام و مسلک و حزبی، به طور مطلق، حتی پس از دانستن بطلان آن، حمایت می نماید، همان طور که مشرکان می گفتند: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ»^۲ «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم». طرفداری از اعتقادی خاص هنگامی که باتعصب و جزم انگاری توأم شود، باعث می شود که شخص در زمان نیاز به موضع گیری از اظهار حقایق عاجز شود و در حق دیگران از نسبت های ناروا و اهانت ها دریغ نکند و در نهایت آن ها را تکفیر نماید در تاریخ قبل از اسلام شاهد می شود در

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهیم محمد ابوالفضل، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی،

قم، ۱۴۰۴ ق، ۰۴، ج ۱۱، ص ۱۰.

۲. زخرف: ۲۳.

میان اعراب تعصبات قبیله‌ای به شدت رایج بود و این مسأله همواره باعث جنگ و خونریزی بود. امام سجاد(ع) می‌فرماید: «آن تعصبی که صاحبش گناهکار شمرده می‌شود این است که فردی، انسان‌های بدکردار وابسته به خویش را از افراد نیکوکار و وابسته به قوم دیگر، بهتر بداند و با ارزش‌تر شمارد. ولی دوست داشتن وابستگان، از تعصب‌های مذموم نیست. بلکه یاری کردن بستگان، برای ظلم به دیگران، از نوع تعصب باطل و مذموم است.»^۱

۲. فتنه‌های بیرونی

دسته دیگری از عوامل که باعث اختلاف در درون خانواده امت اسلام می‌شود عوامل بیرونی‌اند، عواملی مثل وسوسه افراد شرور و فرصت‌طلب، کسانیکه یا از طرف دشمن مأمورند یا برای منافع خود دست به توطئه زده و ایجاد فتنه کرده و بین افراد و گروه‌ها و قبیله‌ها که به طور مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کنند تفرقه می‌اندازند. علی(ع) سرچشمه تمام این فتنه‌ها را شیطان می‌داند و از او به عنوان عامل ایجاد اختلاف و شکاف نام می‌برند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طَرِيقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحِلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ فَاصْدُقُوا عَنْ نَزَغَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِمْ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ...»؛ شیطان راه‌های خود را بر شما هموار می‌کند، می‌خواهد با گسستن گروه‌های همبستگی و ایجاد شکاف در صفوف متحد شما دیتتان را سست کند و به جای همبستگی و اتحاد، تفرقه و نفاق در میان شما ایجاد نماید، در نتیجه تفرقه و آشوب و فساد در جامعه پدید آورد بنابراین ضروری است که شما با وسوسه‌ها و افسون‌های او بیکار کنید.»^۲

در قرآن کریم «شیطان» در دو معنا به کار رفته است:

- به معنای انسان‌هایی که در صدد گمراهی و به دام افکندن هموعان خویش هستند.
- به معنای موجودات غیبی که در دل آدمی وسوسه ایجاد می‌نمایند.^۳

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص: ۳۰۸.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۲۱.

۳. محمدی ری شهری، محمد، رمز تداوم انقلاب در نهج البلاغه، تهران، یاسر، ص: ۴۱.

- برخی اساتید معاصر در بحث‌های قرآنی خود می‌فرمایند «شیطان» در قرآن کریم در پنج معنا به کار رفته است:
- الف- همان ابلیس
 - ب- موجودات نامرئی (جن)
 - ج- ساحر
 - د- دشمنان انبیاء
 - ه- منافقین

و البته این پنج معنا هم برگشت به همان دو معنای اول می‌کند و همه این مصادیق جزو عوامل بیرونی اختلاف بین مردم به شمار می‌آیند.

آثار وحدت و تفرقه‌ی امت اسلامی

الف: نتایج و آثار وحدت امت اسلام

همانگونه که اشاره شد در قرآن کریم و روایات و سیره عملی پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) بر وحدت جامعه اسلامی و بلکه اتحاد بین تمامی افراد جامعه اعم از مسلمان و غیر مسلمان سفارش ویژه‌ای شده است و در جاهای مختلف و با عبارات گوناگونی به آثار و برکاتی که از طریق اتحاد و یکپارچگی نصیب امت اسلام می‌شود اشاره کرده‌اند؛ در ادامه به بعضی از این آثار اشاره می‌کنیم.

۱. ایجاد اطمینان و آرامش:

وحدت ملی زیربنای امنیت و آرامش و سازندگی و تولید در جامعه است و در حقیقت آرامش و امنیت ره‌آورد اتحاد است. و ناامنی و هرج و مرج نتیجه‌ی اختلاف و واگرایی؛ اگر ملتی متحد باشند و از تشتت پرهیزند به طور طبیعی احساس قدرت و پشتوانه می‌کنند و در نتیجه اضطراب، ضعف اعصاب و احساس ناامنی جای خود را به اطمینان، آرامش و احساس امنیت می‌دهد. امام خمینی (ره) وحدت را سدی در مقابل

دشمن می‌داند و می‌فرماید: «وقتی دست به هم دادیم و همه شدیم یک واحد علی‌مَن سِوَاهُ (دست واحد در مقابل دیگران)، اگر دست واحد شدیم، هیچ کس نمی‌تواند به ما

ضرری بزند. آن روز به ما ضرر می خورد که خلل در وحدت ما پیدا بشود»^۱ این که ملتی اطمینان داشته باشد که هیچ کس نمی تواند به او آسیبی برساند آرامش خاطر پیدا می کند که یکی از بزرگترین نعمت های الهی است پیامبر اسلام (ص) امنیت و سلامتی را دو نعمت الهی شمرده اند که اکثر مردم قدرش را نمی دانند.^۲ امام صادق (ع) در بیان قدر و ارزش نعمت امنیت می فرماید: «العافیة نعمة خفیة اذا وجدت نسیت و اذا فقدت ذکرت»^۳ ایمنی نعمت خفیه است هرگاه وجود داشته باشد فراموش می شود و هرگاه از بین برود به یاد می آید. مسئله امنیت و احساس آرامش افراد جامعه اینقدر اهمیت دارد که وجود مقدس نبی اسلام (ص) برای تامین امنیت مکه حمل سلاح به این شهر را ممنوع کرد.^۴ و در صلح حدیبیه شرط کرد که از آن به بعد کسی با اسلحه وارد حرم نشود.^۵

۲. گسترش اسلام:

هر ملتی که اتحاد داشته باشد و از تفرقه بپرهیزد به طور قطع بر دشمن غلبه خواهد کرد. پیروزی های سال های اولیه بعثت نتیجه ی همبستگی و وحدت مسلمانان بود که باعث گسترش اسلام شد ایمان و اتحاد مسلمانان در صدر اسلام بود که فارغ از هر نوع دسته بندی و قوم سالاری، تحت فرمان نبی مکرم اسلام (ص)، برای اعتلای کلمه «لااله الا الله» جانفشانی می نمودند و به برکت همین وحدت بود که خداوند پیروزی های روزافزونی را به مسلمانان عنایت کرد و اسلام گسترش پیدا کرد. به طوری که در یک زمان مسلمانان سرآمد پیشرفت و علم در جهان شدند اما چه شد که در قرن های اخیر جوامع اسلامی پسرفت کرد و در مقابل، غرب و دشمنان اسلام پیشرفت های علمی و نظامی و... داشته اند؟ در پاسخ باید گفت این قانون طبیعی است هر اجتماعی، حق یا باطل اگر اتحاد داشته باشند پیروز خواهند بود. حضرت علی (ع) خطاب به لشکریان

۱. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۸۴.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، ص ۳۴

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۲۷۱.

۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۴۷۱

۵. سجستانی، سلیمان ابن الاشعث، سنن ابی داود، بیروت دار الفکر، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۴۱۱.

خویش می فرمایند: «والله لأظن أن هولاء القوم سيدالون منكم باجتماعهم على باطلهم و تفرقكم عن حقكم»^۱ به خدا سوگند من گمان دارم که این گروه (ارتش معاویه) به زودی قدرت را از چنگ شما بیرون آورند زیرا که آنان بر باطلشان اتفاق دارند و شما در حق خود تفرقه دارید». آری دشمن در قرن‌های اخیر تا توانسته با دسیسه و اختلاف افکنی بین مسلمانان باعث دور کردن گروه‌ها و مذاهب اسلامی از یکدیگر و تضعیف آنها شده است و در غبار این تفرقه ثروت جامعه اسلامی را به یغما برده و جهان اسلام که روزی سرآمد علم و پیشرفت بود را به عقب برگردانده و نتیجه این شده که امروز خود در آرامش و آسایش هرچند مادی و امنیت دنیای باطل خود هستند؛ لذا می‌طلبند که مسلمانان هوشیاری خود را حفظ کرده و با وحدت و اتحاد خود باعث عزت و پیشرفت و سرافرازی اسلام و مسلمین و سرافکنندگی دشمنان اسلام شوند.

۳. بارش فیض الهی:

از فرمایشات نورانی معصومین (ع) استنباط می‌شود که سنت الهی بر این است که بین هر قومی وحدت حکمفرما باشد و از تفرقه دوری کنند رحمت و فیض الهی بر آن‌ها نازل خواهد شد. پیامبر اکرم (ص) اجتماع را مایه رحمت و پراکندگی را مایه عذاب می‌داند: «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب»^۲ و علی (ع) وحدت و با هم بودن را سبب یاری خداوند می‌شمارد چرا که «یدالله مع الجماعة» «دست خدا با جماعت است»^۳. از دیدگاه حضرت علی (ع) خداوند در طول تاریخ بشری، هیچ نعمتی را با وجود اختلاف، به قوم و امتی عنایت ننموده است: «وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفِرْقَةٍ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَىٰ وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»^۴ نه تنها اختلاف مانع نزول فیض‌های الهی می‌شود حتی باعث سلب نعمت‌های موجود نیز می‌گردد. چنان که امام علی (ع) با اشاره به سرانجام قوم بنی اسرائیل، چنین بیان می‌کنند که چگونه با رسوخ تفرقه بین آن‌ها، دوستی‌ها و

۱. نهج البلاغه: خطبه ۲۵.

۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ دوم، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۵، جلد ۱، صفحه ۴۰۶.

۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷.

۴. نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

مهربانی‌ها رخت بر بست و پراکندگی و اختلاف سبب جنگ آن‌ها علیه یکدیگر گردید و این اختلافات سبب شد که خداوند، لباس عزت و فراوانی نعمتش را از آنان بگیرد.^۱

۴. تقویت جایگاه اجتماعی امت اسلام:

وحدت و همگرایی مسلمانان سبب تقویت جایگاه اجتماعی آنها در جهان می‌شود، از نظر امام علی (ع) اتحاد عامل شوکت و عزت و سربلندی جامعه اسلامی است، ایشان در یکی از خطبه‌های خود فرمودند: «و العرب الیوم و ان كانوا قلیلا فهم کثیرون بالاسلام عزیزون بالاجتماع»؛ «عرب امروز گرچه از نظر تعداد اندک‌اند، اما با نعمت اسلام فراوان و با اتحاد عزیز هستند».^۲ سید جمال‌الدین اسدآبادی در این باره می‌فرماید: «هرگاه امتی را دیدی که افرادش به وحدت و یگانگی تمایل دارند، به آن امت مژده بده که خداوند در جهان آفرینش برای آن امت، آقایی و والایی و برتری بر سایر ملت‌ها مقدر کرده است»^۳ وحدت باعث شکوفایی و رشد همه جانبه جامعه اسلامی از طریق توسعه ارتباطات و تبادل تجربه‌ها می‌شود و در نهایت رفاه مادی و معنوی مسلمانان را فراهم می‌سازد و این امر به نوبه خود زمینه را برای پذیرش اصول و ارزشهای اسلامی به عنوان ارزشهای برتر فراهم می‌سازد و در این صورت جامعه اسلامی به عنوان الگو معرفی می‌شود و اگر چنین شد سبب گرایش غیر مسلمانان به اسلام خواهد شد.

۵. استحکام روابط عاطفی میان مردم و رهبر:

یکی از نتایج وحدت در جامعه اسلامی این است که روابط بین رهبر جامعه و امت تقویت شده و زمینه اطاعت مردم از رهبر و امام را فراهم می‌کند البته اطاعت و فرمانبرداری مردم از رهبر خود در یک نگاه از عوامل ایجاد وحدت است و از منظر دیگر خود از ثمرات وحدت و اتحاد جامعه است؛ لذا لازم است زمینه‌ی ایجاد سرسپردگی ملت را شخص رهبر اجتماع به وجود آورد. از مزایای فوق العاده اخلاقی

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۶۶.

۲. قبانچی، سید حسن، مسند الامام علی، دارالاسوه، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۰۴.

۳. سید جمال‌الدین اسدآبادی، عروه‌الوفاقی، ص ۱۹۰.

پیامبر اکرم (ص) که از صفات مهم در رهبری و باعث همبستگی ملی است، مسأله گذشت و نرمش و انعطاف در برابر مردم است. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۱ «و به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند». در جای دیگر درباره مهربانی پیامبر با مردم می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»^۲ «به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است». علی (ع) می‌فرماید: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا اءَقْبَلَتْ عَلَيْهِ»؛ «دل‌های مردم طبعاً بیگانه و وحشی است، هر کس با آنها الفت پیدا کند به او روی می‌آورند».^۳ این مسئله در تمام جوامع اسلامی باید سرمشق قرار گیرد و هر شخصی که در مقام رهبری یا هر نوع مسئولیتی قرار گرفته اگر بخواهد در مسئولیتی که به او سپرده‌اند، موفق شود باید به پیامبر اکرم (ص) اقتدا کند و با مردم با محبت و مهربانی رفتار نماید. در غیر این صورت اگر خشن و تندخو و غیرقابل انعطاف و فاقد روح گذشت باشد در برنامه‌های خود با شکست مواجه خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می‌شوند. و در نتیجه وحدت جامعه خدشه‌دار شده و در این صورت از رهبر و امام خود پیروی نخواهند کرد. اخلاق پسندیده، رفتار نیک، مهربانی، صبر و استقامت، تحمل و بخشش، از راههایی است که باعث وحدت و همبستگی می‌شود و مردم گرد رهبر خود جمع شده و و در نتیجه روابط بین رهبر و مردم استحکام پیدا می‌کند.

۶. نهادینه شدن فضیلت‌های اخلاقی:

یکی از اثرات وحدت، نهادینه شدن اخلاقیات در جامعه است چون وحدت نتیجه رعایت موازین اخلاقی توسط تک تک افراد و گروه‌هاست. امام باقر (ع) امت اسلامی را

۱. آل عمران: ۱۵۹.

۲. توبه: ۱۲۸.

۳. نهج البلاغه: حکمت ۵۰.

پیکر واحد می‌دانند و می‌فرمایند: «المؤمنونَ فی تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسدِ إذا اشتكى تداعی له سائرُهُ بالسَّهرِ و الحمی». «مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند، که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد، تمام اعضا در تب و بی‌خوابی گرفتار آیند».^۱ تا زمانیکه اخلاق در بین اقشار جامعه رعایت نشود و افراد دنبال منافع و اغراض و هواهای نفسانی خود باشند به طور قطع و یقین وحدتی صورت نمی‌گیرد، همین است که دین مبین اسلام، اخلاق را اصل اساسی و مهمی می‌داند که در کنار مسائل عقیدتی، اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به تکامل باید رعایت شود و اصولاً محتوای کلی تعالیم اسلامی، محتوایی اخلاقی است. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «أئما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق» «من برانگیخته شده‌ام که فضیلت‌های اخلاقی را به اوج برسانم»^۲ روی این اصل، قرآن کریم هنگام بحث از مسائل اخلاقی نه تنها از روابط آدمی با هم‌نوعان خود سخن گفته بلکه روابط او را در همه زمینه‌ها، مورد توجه قرار داده است. بنابراین رعایت موازین اخلاقی بستری مهم جهت همگرایی و وحدت اسلامی است و هر جامعه‌ای که وحدت را با توجه به موازین اخلاقی حفظ کرد فضیلت‌های اخلاقی در این جامعه نهادینه خواهد شد.

۷. ایجاد زمینه برای عدالت اجتماعی:

همگرایی در بین اقشار مردم زمینه اجرای عدالت را فراهم می‌کند و از تضييع حق دیگران جلوگیری می‌نماید. فقدان اتحاد و وحدت در هر جامعه باعث هرج و مرج در آن نظام می‌گردد و در فضای غبارآلود هرج و مرج، اجرای حق و عدالت میسر نخواهد بود و حق افراد ضعیف جامعه تضييع می‌گردد. حضرت علی (ع) قبل از جنگ صفین سعی فراوانی کردند و به نصیحت و خیرخواهی پرداختند تا این جنگ بین مسلمین واقع نشود ولی اثر نکرد و به وقوع پیوست به این واقعه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَقُلْنَا: تَعَالَوْا نُدَاوِي مَا لَا يُدْرِكُ الْيَوْمَ بِإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَ تَسْكِينِ الْعَامَةِ، حَتَّى يَشْتَدَّ

۱. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل‌الشیعه قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ج ۷۱، ص ۲۳۴.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جمعی از محققان، داراحیاء التراث‌العربی، بیروت ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۸۲.

الْأَمْرُ وَيَسْتَجْمَعُ، فَفَقَوَى عَلَى وَضْعِ الْحَقِّ مَوَاضِعَهُ؛ «ما گفتیم که بیایید با خاموشی آتش جنگ و آرام کردن انبوه مردم، به چاره جویی و درمان بنشینیم تا کار مسلمانان قوام و انسجام یابد و ما برای اجرای حق و عدالت نیرومند شویم».^۱ آن حضرت در این بیان نورانی به همین مسئله می‌پردازند زمانیکه جنگ و خونریزی و اختلاف فضای جامعه را غبار آلود کرده است اجرای عدالت امکان‌پذیر نمی‌باشد بلکه زمانی می‌شود جلوی ظلم ظالم را گرفت و از مظلوم دفاع کرد و عدالت را برقرار نمود که مردمان یکدل و با آرامش و همدلی زندگی کنند.

ب. نتایج و آثار اختلاف و تفرقه:

هیچ انسان خردمندی طرفدار نزاع و تفرقه نیست؛ چرا که نزاع و تفرقه سبب بوجود آمدن بحران‌های دوام‌دار و از بین رفتن توانایی‌ها، ظرفیت‌های مادی و فکری جامعه، نابودی منابع انسانی، به تأخیر افتادن رشد فکری و علمی بشر و همچنین از هم گسسته شدن نظام‌های اجتماعی و سیاسی می‌گردد. قرآن برای اختلاف و تفرقه آثار مخربی را ذکر می‌کند و از مردم می‌خواهد به جهت رهایی از پیامدهای زشت و زیانبار این آثار دست از تفرقه بردارند و به اتحاد و همبستگی روی آورند. در ذیل به برخی از آثار تفرقه اشاره می‌کنیم.

۱- سیطره کفار و ظالمین بر مومنین و مسلمانان:

از نتایج تفرقه سیطره کفار بر مسلمانان است نبی مکرم اسلام (ص) در همین زمینه می‌فرماید: «مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا». «هیچ امتی پس از پیامبرشان اختلاف نکردند؛ مگر آنکه گروه باطل بر حق‌گرایان چیره و مسلط شدند»^۲ قرآن با بیان داستان قوم موسی (ع) به انگیزه و سیاست‌های فرعون در ایجاد تفرقه و اختلاف میان قوم بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند و درباره شیوه سیطره ذلت‌آفرین فرعون بیان می‌کند: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ»

۱. نهج البلاغه: نامه ۵۸

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.

يُدِيحُ اَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ»^۱ «فرعون در زمین علو و برتری جست و اهل زمین را به گروه‌ها و دسته‌های چندی تقسیم کرد تا گروهی از ایشان را ضعیف و ناتوان قرار دهد و به قتل و کشتار برخی اقدام کند و زنانشان را به بی‌حیایی کشد و آنان را برای مقاصد نفسانی و شوم، زنده نگه دارد». در تفسیر نمونه ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «فرعون برای تقویت کردن پایه‌های استکبار خود به چند جنایت بزرگ دست زد: نخست "کوشید در میان مردم مصر تفرقه بیندازد" (وَ جَعَلَ اَهْلَهَا شِيَعًا). همان سیاستی که در طول تاریخ پایه اصلی حکومت مستکبران را تشکیل می‌داده است، چرا که حکومت یک اقلیت ناچیز بر یک اکثریت بزرگ جز با برنامه "تفرقه بینداز و حکومت کن" امکان‌پذیر نیست! آنها همیشه از "توحید کلمه" و "کلمه توحید" وحشت داشته و دارند، آنها از پیوستگی صفوف مردم به شدت می‌ترسند، و به همین دلیل حکومت طبقاتی تنها راه حفظ آنان است، همان کاری که فرعون و فراعنه در هر عصر و زمان کرده و می‌کنند»^۲.

۲- حاکم شدن کم‌خردان و فرومایگان:

یکی دیگر از آثار تفرقه، حاکم شدن فرومایگان و افراد پست بر افراد فرهیخته و نخبه است؛ زیرا با اختلاف، فرهیختگان و نخبگان قوم تضعیف شده و از صحنه کنار گذاشته می‌شوند و یا با ترور فیزیکی از بین خواهند رفت و زمینه برای قدرت یافتن فرومایگان فراهم می‌شود. برخی از مفسرین تعبیر برانگیختن عذاب از زیر پای مردم که در آیه ۶۵ انعام آمده را به معنای قدرت یافتن فرومایگان و کسانی دانسته اند که بی‌خیرند^۳ «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِكُمْ اَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»^۴ «بگو او قادر بر آن است که از فراز سرتان یا از

۱. قصص: ۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص: ۱۲.

۳. علی بن ابراهیم القمی، تفسیر قمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، دارالکتب للطباعة و النشر، قم، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. انعام: ۶۵.

زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه در هم افکنند و خشم و کین گروهی را به گروه دیگر بچشانند». به گواهی آیات و روایات و سخنان بزرگان دین چنانچه ملتی متفرق شدند و از همگرایی فاصله گرفتند یکی از عذاب‌هایی که خداوند بر این ملت نازل می‌کند این است که افرادی که از هرگونه اخلاق انسانی و رفتار پسندیده عاری هستند را بر ایشان حاکم می‌کند در تاریخ موارد بسیار وجود دارد که به واسطه تشنت و از هم پاشیدگی ملت تا سال‌های طولانی افرادی پست و سنگدل و خونریز بر آن‌ها تسلط پیدا کرد و مدت‌های مدیدی در رنج و عذاب و خفقان به سر بردند. تسلط معاویه بن ابی سفیان و بعد از او فرزند شرابخوار و میمون‌بازش یزید به عنوان حاکم مسلمین و همچنین حکومت‌های بعد از آن همه و همه در اثر متحد نبودن مردمان آن روزگار بود.

۳- ناامنی و خونریزی:

از دیگر آثار شوم و پیامدهای زیانبار تفرقه و اختلاف بین امت اسلامی ایجاد ناامنی و در نتیجه خونریزی در جامعه خواهد بود. قرآن هشدار می‌دهد که در پی اختلاف اگر جنگی برافروخته شود تنها دامن فتنه جویان را نمی‌گیرد بلکه همه از این آتش زیان می‌بینند «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^۱ «و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد.» در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده: «فتنه به معنای بلاها و مصائب اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد و به اصطلاح خشک و تر در آن می‌سوزند و در حقیقت خاصیت حوادث اجتماعی چنین است هنگامی که جامعه در ادای رسالت خود کوتاهی کند و بر اثر آن قانون‌شکنی‌ها و هرج و مرج‌ها و ناامنی‌ها و مانند آن به بار آید نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند و این خطاری است که خداوند در این آیه به همه جوامع اسلامی

می‌کند و مفهوم آن این است»^۱

علامه طباطبایی در بخشی از تفسیر این آیه می‌فرماید آیه شریفه بر فتنه‌هایی که در صدر اسلام واقع شد قابل تطبیق است چون فتنه‌های مزبور وحدت دینی اسلام را منهدم نموده و با ایجاد تفرقه، قدرت و شوکت اسلام را در هم شکست، و خون‌هایی به ناحق ریخت و باعث اسارت و غارت و هتک نوامیس و حرمت‌ها گردید و کتاب و سنت متروک شد.^۲

ایشان در ذیل آیه، «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ...»^۳ می‌فرماید «از ظاهر این جمله چنین برمی‌آید که می‌خواهد دسته‌بندی‌هایی را که بعد از رحلت رسول خدا پیش آمد، پیشگویی نماید، همان دسته‌بندی‌هایی که باعث شد مذاهب گوناگونی در اسلام پدید آید، و هر فرقه‌ای درباره مذهب خود اعمال تعصب و حمایت جاهلانه نموده و آن همه جنگ‌های خونین و برادرکشی به راه افتد، و هر فرقه‌ای، فرقه‌ی دیگر را مهدور الدم و از حریم دین و مرز اسلام بیرون بداند». علی (ع) می‌فرماید: «ایاکم و الفرقة، فَأَنَّ الشَّاذَّ عَنِ أَهْلِ الْحَقِّ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّئْبِ؛» «از واگرایی و تفرقه دوری کنید، زیرا اگر گروه اندکی - ولو حق باشند - از امت اسلامی جدا گردد، طعمه شیطان می‌شوند مانند گوسفندی که اگر از گله دور افتد طعمه گرگ بیابان است». علی (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ النَّجَاةَ وَ عَرَّجُوا عَنِ طَرِيقِ الْمُنَافِرَةِ». «مردم! موج‌های فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید و از تکروری و اختلاف دوری کنید». به هر حال وقتی اتحاد ملتی از هم پاشید و اختلاف و دو دستگی و چند دستگی جای آن را گرفت فتنه به وجود می‌آید و طبق منطق قرآن، اگر فتنه‌ای واقع شود دامن همه را می‌گیرد و خشک و تر با هم می‌سوزد.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۳۱.

۲. طباطبایی، محمدحسین، مترجم، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، ج مدرسین

حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۵.

۳. انعام: ۶.

۴. از بین رفتن هیبت و ابهت امت اسلامی:

از دیگر آثار تنازع و تفرقه، از بین رفتن ابهت و شوکت مسلمانان و جامعه اسلامی است. زمانیکه مردم به مخالفت و دشمنی با هم پرداختند و نیرویی که باید صرف مبارزه با دشمن بکنند از بین رفت ضعیف شده و هیبتی که در برابر دشمن داشت از بین خواهد رفت و دشمن جرأت تعرض به خاک و مال و ناموس آنها را پیدا می‌کند در سوره مبارکه انفال به این حقیقت تصریح شده است «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ»^۱ «از خدا و رسولش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع نپردازید چرا که فشل خواهید شد و ابهت شما از بین خواهد رفت». در برخی تفاسیر «وَ لَا تَنَازَعُوا» به معنی اختلاف نکنید آمده است.^۲

واژه «ریح» را لغت نویسان و مفسران اینگونه معنی کرده اند: صاحب مفردات گوید: «ریح» گاهی به مفهوم پیروزی و غلبه به کار می‌رود. مجمع‌البیان گوید: «تذهب ریحکم» یعنی «تذهب صولتکم و قوتکم»^۳ ذهاب ریح به معنای از دست دادن صولت و قدرت است تفسیر المحرر الوجیز می‌گوید: مراد از ریح نصر و قوت است.^۴ زمخشری می‌گوید: «الریح: الدوله»^۵.

به هر تقدیر، باد سمبل حرکت است، عامل حرکت کشتی‌ها، جدایی گاه از دانه، عامل گردافشانی و تلقیح گیاهان و درختان و بشارت دهنده باران می‌باشد. این که قرآن می‌گوید: نزاع و اختلاف مایه ذهاب ریح است یعنی آنچه جامعه دینی را به حرکت درمی‌آورد و حیات و عزتمندی و شوکت می‌دهد وحدت و همدلی است، اگر کشمکش و تفرقه در این جامعه نفوذ کرد همه این حرکات‌ها و برکت‌ها از بین خواهد رفت.

۱. انفال: ۴۶.

۲. طباطبایی، محمدحسین، مترجم، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، ج مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴، ج ۹، ص: ۹۶.

۳. طبرسی، همان، ج ۴، ص: ۸۴۳.

۴. ابن عطیه اندلسی، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی، محمدبنان، المحرر الوجیز، فی تفسیرالکتاب العزیز، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۳۷.

۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۶، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۲۶.

۴- فشل شدن و شکست:

از دیگر آثاری که اختلاف و تفرقه به دنبال دارد شکست است قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا﴾^۱ «منازعه نکنید و درگیری در جامعه بوجود نیارید تا ضعیف و سست نشوید». بر اساس اصول جامعه شناختی قرآن، نزاع و درگیری باعث تضعیف و در نهایت نابودی جامعه اسلامی می‌شود. از باورهای غلطی که در برخی افراد وجود دارد این است که وقتی شهادتین را بر زبان جاری کردیم و مسلمان شدیم و نماز خواندیم و روزه گرفتیم خداوند پشتیبان ماست و در تمام زمینه‌ها و تحت هر شرایطی پیروزیم در صورتیکه سنت الهی چنین نیست، بلکه سنت الهی بر این امر است اگر مسلمان به تکالیف عمل کردند و اتحاد خود را حفظ کردند و در این مسیر استقامت نمودند خداوند هم ایشان را یاری کرده و بر دشمنانشان پیروز می‌کند. اما اگر اتحاد جای خود را به تفرقه و منازعه داد امیدی به موفقیت و پیروزی نباید داشته باشند با مراجعه به تاریخ می‌بینیم چه بسیار حکومت‌هایی بر سر کار آمدند و به حق هم بودند اما در اثر سستی و کاهلی و تفرقه، شکست خوردند و دشمن بر آن‌ها غلبه کرد نمونه بارز آن شکست لشکریان اسلام در جنگ احد است هنگامی که مسلمانان با دادن تلفات و خسارات سنگین به مدینه بازگشتند می‌گفتند مگر خداوند به ما وعده فتح و پیروزی نداده بود؟ پس چرا در این جنگ شکست خوردیم؟ خداوند در پاسخ به آنها می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِأِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ﴾^۲ «خداوند، وعده خود را به شما، (در باره پیروزی بر دشمن در احد،) تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ،) دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید؛ (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید؛ و (بر سر رهاکردن سنگرها) در کار خود به نزاع پرداختید».

در جنگ احد مسلمانان در آغاز جنگ با اتحاد و شجاعت جنگیدند، و پیروز شدند

۱. آل عمران: ۱۵۲.

۲. آل عمران: ۱۵۲.

و لشکر دشمن پراکنده شد و موجی از شادی سراسر لشکر اسلام را فرا گرفت، ولی به دلیل نافرمانی تعدادی از تیراندازان که در دره کوه "عینین" می‌جنگیدند و رها کردن آن منطقه حساس و مشغول شدن به جمع‌آوری غنائم، سبب شد که ورق برگردد و شکست سختی به لشکر اسلام وارد گردد^۱. شکست لشکریان علی (ع) در جنگ بامعاویه، شکست لشکر امام حسن (ع) و مجبور شدن ایشان به صلح با معاویه و تمام قیام‌های به حقی که در طول تاریخ واقع شده است و به سرانجام نرسیده و یا بعداً به شکست منتهی شده وقتی تحلیل و بررسی می‌شود عامل اصلی شکستشان اختلاف بین بزرگان قوم و یا مردم عادی آن زمان است.



نتیجه‌گیری

دین اسلام بر حفظ وحدت و انسجام جامعه تاکید ویژه‌ای دارد و آن را از اساسی‌ترین مسائل جامعه می‌داند و افرادی را که منادی وحدتند را مدح و کسانانی که با وسوسه‌های خود موجب اختلاف می‌شوند را مورد مذمت قرار داده است؛ چرا که اگر جامعه‌ای متحد باشد و از اختلاف دوری کند منافعی همچون وجود آرامش، نزول فیض و برکات الهی، پیشرفت و گسترش دین اسلام، اخلاقی‌شدن جامعه، آبادی کشورهای اسلامی و در یک کلام تقویت جایگاه اجتماعی فرهنگی مذهبی و سیاسی امت اسلامی نصیب آن‌ها می‌شود. و در نقطه مقابل اگر مردم جامعه با هم متحد نبودند گرفتار آثار سوئی همچون تسلط کفار و سبک مغزان جامعه، ناامنی و جنگ داخلی، و در نهایت شکست و عقب افتادگی می‌شوند. امروز می‌بینیم کشورهای اسلامی گرفتار مصیبت‌ها، کشمکش‌ها و جنگ‌های داخلی هستند و کفار و بیگانگان در غبار این اختلاف پول، نفت و طلا، و معادن آن‌ها را به یغما برده و از سرمایه‌های مادی و معنوی آن‌ها جهت رفاه و آسایش خود بهره می‌برند و بهترین دانشمندان و نخبگان مسلمان را با تطمیع و شگردهای خاص خود تشویق به ترک کشورشان می‌کنند تا با جذب آن‌ها زمینه توسعه علمی کشور خود را فراهم کنند همه این بلاها نتیجه اختلاف مسلمانان است. در پایان، این نکته یادآوری می‌شود تنها راه برگشت امت اسلامی به اصالت و آقایی خویش عمل به دستورات نورانی اسلام و حفظ انسجام و تحمل یکدیگر و به قول امام خمینی (ره) جمع شدن گرد کلمه‌الله است که اگر ملت‌های مسلمان چنین کردند به طور قطع و یقین خواهند توانست کشور خود را به سوی آبادانی و سازندگی سوق دهند به امید روزی که امت واحده اسلامی در سراسر جهان تشکیل شود و عزت و سربلندی مسلمانان به آن‌ها برگردد.

منابع:

۱. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت دارالقلم، ج ۱، ۱۴۱۲ ق.
۳. نهج البلاغه، رضی، محمد بن حسین، محقق: صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۴. التاريخ الكبير، البخاری، المكتبة الاسلاميه، ترکیه، بی تا، ج ۴، ص ۵۵.
۵. مسند احمد، الامام احمد بن حنبل، دارصادر، بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۶.
۶. صحیح مسلم، مسلم النیشابوری، بیروت: دارالفکر، ج ۶ ص ۲۱.
۷. ینابیع الموده لذوالقربی، القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، تحقیق: سید جمال اشرف حسین، ج ۱، دارالاسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۶ ق.
۸. المحججه البيضاء، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، فیض کاشانی، محسن، ترجمه: عطایی، محمدرضا، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۹. غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحدیه محمد، محقق: رجایی، سیدمهدی، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۰. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، محقق: ابراهیم محمد ابوالفضل، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. روضه الواعظین و بصیره المتعظین، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، رضی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، جمعی از محققان، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ ق.
۱۳. الامالی، مفید، محمد بن محمد، محقق: استادولی، حسین و غفاری، علی اکبر، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۳۵.
۱۴. تفسیر نورالثقلین، الشیخ الحویزی، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، موسسه اسماعیلیان، قم، ج ۴، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، دارالکتاب للطباعه و النشر، قم، ج ۳، ۱۴۰۴ق.
۱۶. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، مترجم، موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، دفتر انتشارات اسلامی، ج مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. التبیان، طوسی، محمد بن حسن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۸. المحرر الوجیز، فی تفسیرالکتاب العزیز، ابن عطیه اندلسی، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی، محمدبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. نزهه الناظر و تنبیه الخواطر، الحلوانی، تحقیق: مدرسه الامام المهدی، ج ۱، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۸ق.
۲۰. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ش.

۲۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، زمخشری، محمود، ج ۲، ص ۲۲۶، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ قید.
۲۲. ترجمه غررالحکم و دررالکلم، رسولی محلاتی، سیدهاشم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۲۳. رمز تداوم انقلاب در نهج البلاغه، محمدی ری شهری، محمد، تهران، یاسر، ۱۳۲۵.
۲۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۵. سنن ابی داود، سجستانی، سلیمان ابن الأشعث، بیروت دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، چاپ دوم، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۵.
۲۷. صحیفه نور، خمینی، روح الله، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۹
۲۸. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ قید
۳۰. مسند الامام علی، قبانچی، سید حسن، دارالاسوه، ۱۳۷۵.
۳۱. عروه الوثقی، سید جمال الدین اسدآبادی.
۳۲. دائرة المعارف القرن العشرين، وجدی فرید، بیروت: دارالمعرفه ۱۳۵۷ ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی